

## رتبه‌بندی مؤلفه‌های تأثیر گذار در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با زبان‌های خارجی

(صفحات ۴۱ تا ۶۶)

DOR: 20.1001.1.17358663.1400.16.47.2.2

نوع مقاله: پژوهشی

گلا یول نیازاده<sup>۱</sup> \* فاطمه براتلو<sup>۲</sup> \* سیدرضا صالحی امیری<sup>۳</sup> \*

عباسعلی قیومی<sup>۴</sup> \* علی اکبر رضایی<sup>۵</sup>

پن‌یرش: ۹۹/۱۱/۳۰

دریافت: ۹۹/۱۱/۰۹

### چکیده

فراگیر شدن موضوع جهانی شدن به‌مثابه فراگیر شدن نوعی گفتمان غالب، دربرگیرنده جنبه‌های گوناگونی از همبستگی‌ها و همگنی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی است و ارتباط مستقیم آن با «زبان» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویت، امر «مواجهه با زبان خارجی» را در حوزه‌ی سیاست‌گذاری فرهنگی تبدیل به یک مسئله می‌کند. زبان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و ساماندهی افکار و باورهای افراد - در حال و آینده‌ی جامعه - دارد. در این مقاله، به رتبه‌بندی مؤلفه‌های تأثیر گذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با زبان‌های خارجی پرداخته شده است که در عصر پروژه جهانی‌سازی به تعبیر مخالفین و پروسه جهانی‌شدن به تعبیر موافقین معادلات و مفروضات قبلی را دچار چالش ساخته است. روش این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته، شامل ۲۵ سؤال بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل نخبگان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زبانی کشور می‌باشند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به ترتیب مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی مهم‌ترین مؤلفه‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی ملی و بین‌المللی در مواجهه با زبان‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. درنهایت با توجه به نقاط قوت و ضعف محیط داخلی و تهدیدات و فرصت‌های محیط خارجی، دکترین نوینی در راستای ایجاد نظریه‌های علمی موجود تبیین گردید.

**واژگان کلیدی:** سیاست، فرهنگ، سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی، زبان‌های خارجی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. gladius89@gmail.com

۲. استادیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران. (نویسنده مسئول) baratlou@ihcs.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. dr.salehiamiri@gmail.com

۴. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. a\_ghaiyoomi@iau-tnb.ac.ir

۵. استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. sun19717@yahoo.com

## ۱- بیان مسئله

با توجه به شرایط دنیای امروز و پیشرفت آن به سوی تقریب فرهنگ‌ها و جهانی شدن به جهت وحدت میان فرهنگ‌ها و دوری از تکثرگرایی با هدف همگرایی در تعاملات و اهداف متعالی ملت‌ها در جهت ساخت تمدن جهانی، مطالعه در حوزه سیاست گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی و مبادرت به تقویت آن در میان جوامع از جایگاه ویژه و حائز اهمیتی برخوردار است. جهانی شدن یا جهانی سازی - بدون آن که مساله انتخاب یا جبر و التزام به آن باشد - این مهم را در حوزه تخصصی مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی تبدیل به یک مساله می کند. چراکه در هیاهوی انقلاب ارتباطی و از میان رفتن مرزها در گوی بلورین، توفیق از آن شخصی است که بتواند با جهان آینده منطبق باشد و نیز هماهنگ با تغییرات توأمان نیازهای به روز خود را به درستی پاسخگو باشد. همچنین شناخت جهان آینده و همگام بودن با سرعت تغییرات و انطباق با عناصر، نیاز جدیدی است که ارتباطات جدید را شکل می دهند.

در کشورهای مختلف شاهد برنامه ریزی‌های متفاوتی برای مواجهه و یادگیری زبان دوم هستیم که متأثر از چگونگی پنداشتن زبان مقصد است. برخی از آن به عنوان امپریالیسم فرهنگی یاد می کنند و برخی دیگر آن را عامل توسعه فرهنگی می دانند. اساساً زبان یکی از مؤلفه های اصلی تشکیل هویت، شخصیت و فرهنگ جوامع محسوب می شود؛ این نکته حائز اهمیتی در مواجهه با زبان‌های خارجی است.

از طرفی در کشوری زندگی می کنیم که ضمن حفظ ارزش‌های مقدس و آرمان‌های ملی، با توجه به دستاوردهای مهم فرهنگی، تاریخی و سیاسی همواره همراه با موج تغییرات جهانی بوده ایم. همان‌طور که ذکر شد جهانی شدن در مفهوم توسعه و گرایش به از بین رفتن مرزها و تکثرات مفهومی است. مطلوب از دید جامعه مدنی و سیاسی اما از خاطر نمی بریم فرصت‌ها و تهدیداتی که این پروسه یا به قولی پروژه تحمیلی از دیدگاه مخالفین، ایجاد خواهد نمود و لازم است الگوهای سیاست گذاری احصاء شده تا بتوان با نظر خبرگان به الگوی بومی برای آن دست یافت. همچنین ارتباط ضعیف میان نیروهای تاثیرگذار بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مرتبط با زبان غیررسمی کشور، منجر به پارادوکس میان برنامه‌های آموزشی ملی و محلی شده و فرایند اجرا را هم با کندی مواجه می سازد. گاه تنوع سیاست‌ها منجر به احساس ضرورت برای

تلاش‌های اصلاحی خاص است. آن‌هم در شرایط اکنون جامعه و نه در آینده... از این رو می‌بایست برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان انجام گیرد و خط‌مشی‌های آن مورد توجه قرار گیرد. برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه کشور، ارائه یک سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مناسب، مکان‌ت و جایگاه خاصی می‌یابد. مدلی که بتواند ضمن علمی بودن، پاسخگوی فرصت‌ها و تهدیدهای کشور بوده، آینده فرهنگ کشور را رصد نماید و برنامه‌ریزی متناسب با آن داشته باشد و فرهنگ کشور را به حد متعالی خود نزدیک سازد. برای دستیابی به این مدل نیاز است تا سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی شکل گرفته مورد بررسی قرار گیرد و در هر مرحله، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار بر فرایند سیاست‌گذاری شناسایی شده و اولویت‌بندی گردد تا بتوان بر اساس اهمیت مؤلفه‌ها به بهترین سیاست دست‌یافت. در این میان، نظر خبرگان حوزه‌ی سیاست‌گذاری فرهنگی، نخبگان دانشگاهی حوزه‌ی زبان و فرهنگ در خصوص شاخص‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار و میزان تأثیر هر کدام از مؤلفه‌ها در سیاست‌گذاری مطلوب‌تر کمک می‌کند.

### ۲- ادبیات پژوهش

#### ۲-۱- ادبیات تجربی

بایوردی و کریمیان (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «جهانی‌شدن فرهنگ و تأثیر آن بر هویت ملی ایران» بیان می‌کند این فرضیه که در اثر جهانی‌شدن، شاهد رشد و گسترش هویت‌های قومی و در نتیجه به چالش کشیده شدن هویت ملی در ایران خواهیم بود، به لحاظ نظری و عملی چندان قابل دفاع نیست چرا که در راستای جریان جهانی‌شدن و به‌منظور شناسایی نوع رابطه‌ی فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی، می‌توانیم فرض را نه بر جدایی و تمایز‌پذیری فرهنگی، بلکه بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر در نظر بگیریم و با این فرض است که مهم‌ترین زمینه برای گسترش روحیه و تمایلات جهان‌گرایانه در هویت ایرانی را می‌توان در منشاء تاریخی آن ملاحظه کرد.

عالی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌ها و فرصت‌های جهانی‌شدن برای نظام تعلیم و تربیت ایران» جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرایند گریزناپذیر در قرن بیست و یکم در ابعاد سه‌گانه خود (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) آموزش و پرورش را دستخوش

تغییر و تحول می کند، از این رو شناسایی ویژگی ها و آثار این فرایند بر آموزش و پرورش (و به عبارتی جهانی شدن تعلیم و تربیت) یکی از وظایف اصلی هر نظام تعلیم و تربیت و از جمله نظام آموزش و پرورش ایران است. در این میان می توان به پیامدهای اقتصادی جهانی شدن برای نظام آموزش و پرورش از جمله توجه بیشتر بر آموزش های فنی و حرفه ای و استفاده بیشتر از تکنولوژی اطلاعات و پیامدهای بعد سیاسی جهانی شدن از جمله کم رنگ شدن نظارت و تسلط دولت و حکومت بر نظام تعلیم و تربیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن از جمله ترویج فرهنگ غرب و کم رنگ شدن ویژگی های بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزش های دینی در برنامه های درسی مدارس اشاره کرد. از طرفی می توان به برقراری ارتباطات فرهنگی بیشتر و شناخت سایر فرهنگ ها به عنوان فرصت های پیش روی تعلیم و تربیت اشاره کرد. بنابراین دیدگاه جهانی شدن فرصت ها و چالش هایی را برای نظام تعلیم و تربیت به طور عام و برای ایران به طور خاص پدید می آورد. که با بهره گیری از این فرصت ها و با شناخت بهتر چالش ها می توان به حفظ میراث های فرهنگی و اعتلای نظام تعلیم و تربیت در راستای جهانی شدن پرداخت. تحلیل این فرصت ها و تهدیدها از جمله اهداف این مقاله است.

سبکتکین ریزی و دیگران (۹۳) در مقاله ای تحت عنوان «بررسی مهم ترین فرصت ها و چالش های فرهنگی در عصر جهانی شدن فرهنگی» تأثیر جهانی شدن فرهنگی در شش مسئله فرهنگی که می تواند هم به عنوان چالش و هم به عنوان فرصت (شکل گیری تعامل سازنده با دنیا) مطرح شود، بررسی شده است. تغییرات به وجود آمده در نظام آموزشی - بررسی مختصات هویت یابی دینی، قومی و ملی - تغییرات ساختاری و هویتی شکل گرفته در خانواده و سرمایه اجتماعی در بین شهروندان - چگونگی برآیند کثرت گرایی در عصر جهانی شدن فرهنگی در این مقاله مطرح شده است.

اصغر زاده و خراسانی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط آموزش علم در بین المللی شدن دانشگاه ها با مطالعه تطبیقی در اروپا» به بیان اهمیت زبان انگلیسی با توجه به رشد سریع استفاده از آن در دهی اخیر پرداخته و از آن به عنوان یکی از ابزارهای بین المللی شدن یاد کرده است که از سوی سیاست گذاران مورد توجه واقع شده است.

بابازاده (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «زبان، فرهنگ، اصطلاحات و ارتباط آن ها

با آموزش زبان‌های خارجی» برقراری ارتباطات انسانی در رابطه با آموزش زبان‌های خارجی بررسی می‌شود. حل مسائل مربوط به زبان و فرهنگ، به بهینه‌سازی فرایند آموزش زبان‌های خارجی و تحقق بخشیدن هدف عملی آموزش یعنی تسلط بر زبان خارجی توسط زبان‌آموزان به‌عنوان وسیله برقراری ارتباط کمک می‌کند. در این راستا مؤلف مقاله از میان واحدهای زبانی، اصطلاحات را که حاوی غنی‌ترین اطلاعات فرهنگی‌اند مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار داده است. به نظر مؤلف مقاله در تدوین مطالب درسی مربوط به اصطلاحات و تعبیرات نه تنها ایدیوم‌ها، بلکه ترکیب کلمات یا گروه‌واژه‌های ثابت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

آذرشب و همایونی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران)» سعی بر آن دارد که پس از تحلیل روابط زبانی-فرهنگی خوب و دوستانه ایران و جهان عرب در گذشته‌های تاریخ، علل و اسباب افول فراگیری زبان عربی را از دو منظر فرهنگی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی بازنگری کنیم و از این رهگذر، برنامه‌ها و راهکارهایی بنیادین را برای بسط آموزش زبان عربی به معنای کاربردی آن در دو سطح عمومی و تخصصی ارائه نماید.

بیرک بیچلر<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «سیاست زبان خارجی و آموزش معلمین سیاست‌گذاری در آموزش زبان خارجی آمریکا» تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله افزایش نفوذ نیروهای خارجی مانند سیاستمداران و رهبران تجاری، ارتباط ضعیف میان سیاست‌گذاران و متخصصان سطح بالا، پارادوکس برنامه‌های آموزشی ملی و تلاش‌های استانداردسازی و محلی و جنبش‌های بازسازی دولتی و تنوع سیاست‌های آموزش و پرورش معلمان دانسته و بیان می‌کند که این مهم نیازمند تلاش‌های اصلاحی خاص همین دوره و نه آینده است که می‌بایست با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان شکل بگیرد.

هالت<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «چشم‌انداز سیاست‌گذاری آموزش زبان» می‌نویسد: با ذکر این نکته که امروزه مبحث سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه زبان

<sup>۱</sup> Birckbichler, 1994

<sup>۲</sup> Hult, 2017

به یکی از محوری ترین موضوعات مورد بحث تبدیل شده است، این پژوهش درصدد مطالعه و جستجوی سیاست های آموزش زبان در بانک های اطلاعاتی درباره ی موانع و مشکلات آموزش زبان، طراحی های نوین آموزشی، سیاست های آموزشی و ارائه ی راهکار توسط مدل سیاست گذاری سه جزئی شیوه ها، باورها و مدیریت است.

(لیندبلوم و کوهن<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹) تفاوت های میان روش های اجمالی و تدریجی در سیاست گذاری را برشمردند. بر اساس دیدگاه آنها، روش اجمالی در کامل ترین و نهایی ترین شکل خود شامل یک محور برنامه ریزی مرکزی برای کل جامعه است که کنترل و نظارت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسط این مرجع، در فرآیند یک برنامه جامع و کامل و بدون الزام به در نظر گرفتن روابط متقابل میان آنها تنظیم می گردد.

(سنوز و گورتر، ۲۰۱۶) در مقاله ای تحت عنوان «سیاست آموزش زبان و ارزیابی چند زبانی» به این نتیجه دست یافته است که رویکردهای کلی جامع در سیاست و ارزیابی زبان نیاز به جایگزینی سنت های قدیمی در جهان جهانی دارند. او اضافه می کند در مدارس و آکادمی های امروز که افراد زبان های مختلفی دارند این مهم نیازمند سیاست گذاری است.

## ۲-۲- ادبیات نظری

فرهنگ را می توان به عنوان اطلاعات یا رفتار در جامعه تعریف کرد که از طرق خاصی از یادگیری اجتماعی به دست می آید. (وایت هد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۲۳۲) زبان، شاکله ی اصلی تمدن بشری است و می توان گفت مهم ترین وجه تمایز انسان با سایر جانوران است. (تقی زاده، ۱۳۹۵) زبان به عنوان برترین پدیده ی فرهنگی و تمدنی، یکی از مهارت هایی است که از اجتماع گویشوران کسب شده و به عنوان مهم ترین عامل انتقال فرهنگ و میراث از گذشته بوده و نقش تعیین کننده ای در تبیین و ساماندهی افکار و باورهای افراد - در اکنون و آینده جامعه - دارد. از این روست که «واکنش حکومت های رسمی، نخبگان جامعه و مردم» به مظاهر زبانی غیربومی در واقع بخش مهمی از رویارویی هویت ملی ایرانیان با فرهنگ های دیگر را شکل می دهد (شمس و شمسانی، ۱۳۹۲) بی تردید رویکردهای کلی جامع در سیاست با تأکید بر زبان نیاز به جایگزینی سنت های قدیمی در جهان

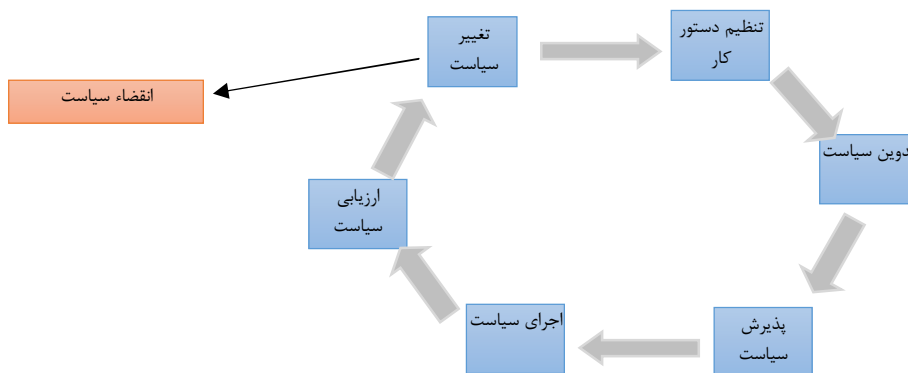
<sup>1</sup> Lindblom & Cohen

<sup>2</sup> Whitehead, 2018

جهانی دارند؛ این مهم نیازمند سیاست‌گذاری است. (سنوز و گورتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶)

سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است که طی فرایندی به انجام رسیده‌اند. به‌طور کلی، سیاست‌گذاری در یک فرایند سه مرحله‌ای: شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی تحقق می‌یابد. برخی صاحب‌نظران با تفصیل بیشتر، این فرایند را در شش مرحله شناخت و درک مسئله، ارجاع و طرح آن در سازمان‌های عمومی، تهیه و تدوین خط‌مشی، مشروعیت بخشی، ابلاغ و اجرا و ارزیابی و کسب بازخورد از عملکرد آن تعریف کرده‌اند. (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸) سیاست‌گذاری به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و اقدامات و راهبردهایی که یک محور مرکزی داشته باشد اطلاق می‌شود. هر سیاست‌گذاری بر مبنای جهان‌بینی انجام می‌شود که برای شناخت هر سیاست باید نخست جهان‌بینی را شناخت. تصمیم‌گیری مولود سیاست است. پیش از بررسی هر مرحله از این چرخه، باید یک نکته‌ی مهم را به یاد داشته باشیم؛ این فرآیند، آن طوری که تصویر نشان می‌دهد جزء جزء تقسیم شده نیست. در عوض، با پیچیدگی بسیار زیاد، شبیه یک بافتی است که همه‌ی مراحل این چرخه در آن به هم بافته و تنیده شده‌اند.

شکل ۱- چرخه سیاست‌گذاری (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸)



سیاست‌گذاری دارای اشکال گوناگونی است، به‌طور مثال وجود سرمشق‌های آرمان شهرگرا، واقع‌گرا، راهبردی و توسعه‌گر می‌تواند منشأ پیدایش انواع سیاست‌گذاری‌های

<sup>1</sup> Gorter & Cenoz, 2016

فرهنگی باشد. بر اساس میزان فراگیری و پیوستگی سیاست گذاری های فرهنگی، به انواع دیگری از سیاست گذاری فرهنگی می توان دست یافت که به سیاست گذاری فرهنگی گسسته و پیوسته تقسیم می شود. سیاست گذاری گسسته نوع خاصی از سیاست گذاری فرهنگی است که در آن برنامه ریزان هر حوزه به طور مستقل و جداگانه به سیاست گذاری مبادرت می کنند، از این رو میان بخش های مختلف آن ارتباط و همبستگی ارگانیک به چشم نمی خورد. اما در سیاست گذاری فرهنگی پیوسته، برنامه ریزان با مدنظر قرار دادن الگوی کلی و نظمی اندام واری به سیاست گذاری مبادرت می کنند که نتیجه و محصول آن، شبکه و مجموعه هم بسته ای از تصمیم ها و اقدامات است (اکبری، ۱۳۸۱). سیاست گذاری فرهنگی با رویکردهای مختلفی قابل اجراست؛ رویکرد نخبه گرا که به صورت سنتی و با حفظ میراث فرهنگی و احیای دوران گذشته تاریخی بر هویت ملی تأکید دارد؛ رویکرد توسعه ای که حاصل پیوند میان فرهنگ و توسعه است و رویکرد کثرت گرا که بر خود فرهنگ متمرکز شده است. (بهادری، ۱۳۷۶: ۱۴۱-۱۳۶) از سوی دیگر، سیاست های فرهنگی اغلب دو نوع اند؛ تشویقی و کنترل. سیاست های تشویقی برای رسیدن به اهداف خود از ابزار تشویق و اقناع استفاده می کنند و غالباً به منظور توسعه فرهنگی اتخاذ می شوند. سیاست های کنترل نیز از عوامل محدود کننده مانند عدم دسترسی و یا تهدید به مجازات بهره می گیرند. (کاوند، ۱۳۸۷: ۳) الگوهای سیاست گذاری فرهنگی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- یکسان سازی فرهنگی که به دنبال یکسان سازی فرهنگی در جامعه است. در این الگو، اصول و ارزش های مقدسی وجود دارد که در یک طرح هندسی ارزش های فرهنگی یک نقطه کانونی و هنجاری را اختیار کرده و جامعه ای هم بسته و مبتنی بر ارزش های والا را شکل می دهد. البته، تحقق این الگو در عمل بسیار دشوار خواهد بود. مصداق این الگو را می توان در عمل به فرمایشات مقام معظم رهبری در حفظ ارزش فرهنگ و زبان اصیل ایرانی جست.

۲- تکثرگرایی فرهنگی: که به دنبال رشد و گسترش خرده فرهنگ ها به صورت هم عرض در کنار یکدیگر است. در این الگو، خرده فرهنگ های موجود در جامعه به رسمیت شناخته می شود و نوعی نسبی گرایی فرهنگی حاکم است. جامعه برای هیچ خرده فرهنگی با اصول عام اهمیت برتر یا خاصی قائل نیست. اتخاذ این الگو در عمل



بسیار دشوار و دارای تبعات فراوانی است. همانند لزوم وجود گویش‌های محلی و جلوگیری از زوال آن‌ها

۳- وحدت در کثرت: که ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی، امکان تکثر خرده‌فرهنگ‌های مختلف را در چارچوب نمادی مشترک مجاز می‌داند. مراجعه به فصل مشترک سنن انسانی، مذهبی و ملی و درعین حال به رسمیت شناختن تنوع‌ها و تکثرهای فرهنگی، ویژگی بارز این الگوست که مناسب جوامعی مانند ایران است (قلجی، ۱۳۸۸). وجود زبان‌های دیگر حتی به‌عنوان زبان دوم

برای دستیابی به مؤلفه‌های مطلوب در سیاست‌گذاری مطلوب به یافته‌های سایر رشته‌ها مثل زبان‌شناسی و مطالعات فرهنگی نیاز هست و در این میان نظریاتی همچون مدل‌های نه‌گانه دای، مدل چرخه‌ای جونز و مدل تدریجی گرایی لیندبلوم در سیاست‌گذاری فرهنگی و نظریات زبان‌شناسی اجتماعی<sup>۱</sup> مورد مطالعه قرار گرفته و به تبع موضوعیت پژوهش از آن‌ها به‌عنوان چارچوب نظری بهره جستیم. در این میان از مدل‌های نه‌گانه دای مدل نخبگان، عقلایی و بازی بیشتر مورد منظور ما در این پژوهش است. سیاست‌گذاری برای آموزش، یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست‌گذاری در حیطه اداره امور عمومی توسط دولت‌هاست، زیرا مبدأ جامعه‌پذیری و تحرک افراد جامعه به‌سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود؛ حتی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می‌شود، نقطه آغازش از سیاست‌گذاری‌های آموزشی است چون فرهنگ‌پذیری با آموزش شروع می‌شود... (نیاز آذری و دیگران، ۱۳۹۲). در حوزه تخصصی مطالعه‌ی خط‌مشی عمومی به‌طور کلی می‌توان دو رویکرد کلان فلسفی را در مطالعه‌ی خط‌مشی عمومی شناسایی کرد که به دو سنت فلسفی رایج در تولید علم یعنی اثبات‌گرایی و فرااثبات‌گرایی وابسته‌اند که اولی منجر به رویکرد تجزیه و تحلیل خط‌مشی با تأکید بر کمی‌سازی هزینه‌ها و منافع اقتصادی و سایر روش‌های تجربی و دومی با تأکید بر ساخت اجتماعی مسائل عمومی بر گفت‌وگوهای خط‌مشی و زمینه‌ی سیاسی فراگرد خط‌مشی تأکید دارد. (هولت و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹: ۶) به‌طور مشخص رویکرد انتقادی در این گفت‌وگو مورد توجه خواهد بود. در مطالعات

<sup>۱</sup> (socio linguistics)

<sup>۲</sup> Hewlett & others (2009)

سیاست گذاری، این نگاه هارولد لاسول عقیده داشت که افکار عمومی بخشی محورین از مطالعات سیاست گذاری محسوب می شود و پاسخگویی حکومت به ترجیحات عموم برای اکثر برداشت ها از دموکراسی مهم و اساسی است (بنینزربولت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۳۸۷)، به عنوان یک نمونه از رویکرد انتقادی در امر سیاسی مورد توجه است. راهبردهای اصلی در سیاست فرهنگی هم یکی از حوزه های بررسی این مقاله است. در یک نمونه بهادری در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی» به راهبردهای اصلی در سیاست فرهنگی پرداخته است، به باور او کشورهای مختلف برای تدوین سیاست فرهنگی ملی خود راهبردهای متنوعی را متناسب با دیدگاه های سیاسی و وضعیت اجتماعی خود مدنظر قرار می دهند که به طور اجمالی عبارت اند از:

۱. **راهبرد نخبه گرا (سنتی):** بر نقش هویت ملی از طریق حفظ و حراست میراث فرهنگی و احیای گذشته تاریخی در راستای تقویت غرور ملی تأکید دارد. فرهنگ در این راهبرد امری زیباشناختی به شمار می آید.

۲. **راهبرد توسعه ای:** دستاورد مکتب مطالعات فرهنگی با دغدغهی پیوند بین فرهنگ و توسعه است که محورهایی چون همگانی کردن فرهنگ با پی ریزی مبانی فرهنگی برای سیاست های اقتصادی با توسعه متوازن بخش فرهنگی با سایر بخش ها و توجه به افزایش تولیدات فرهنگی را مدنظر داشته است.

۳. **راهبرد کثرت گرا:** برخود فرهنگ، مستقل از نقش آن در توسعه و محورهایی چون تکثر و تنوع فرهنگی، حقوق فرهنگی، تأکید بر فرد به جای جامعه، تأکید بر گروه های ویژه در معرض سلطه فرهنگی نظیر زنان و اقلیت های قومی و دینی و جهان گرایی متمرکز شده است. (بهادری، ۱۳۷۶)

رودز عنوان می کند که از بین رفتن مرز میان دولت و مردم - مدل اداره بدون دولت (اجزای قطعه قطعه شده) چانه زنی میان سازمان ها در شبکه های دربرگیرنده آن هاست و در این فضای سازمانی جدید، دولت با شبکه های سازمانی خود هدایتگر روبروست که از سازمان های دارای منابع مستقل تشکیل شده و در بخش های سیاستی خاص به دنبال برقراری ارتباط با یکدیگر برای تأمین منافع خود هستند. (رودز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷) از میان مدل ها و

<sup>۱</sup> Binzerhbold, 2005

<sup>۲</sup> Rhodes, 1997

الگوهای معرفی شده، مدل مرحله‌ای یا چرخه‌ای سیاست‌گذاری جونز بر این باور بود که در صورت شناخت چگونه بودن عملکرد دولت است که می‌توان درباره‌ی چگونه باید بودن آن به ارائه نظر پرداخت. (جونز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۰) مدل جونز فرایند سیاست‌گذاری را شامل مراحل ذیل می‌داند: ایجاد دستور کار و تعریف مشکل، پیشنهاد راه‌حل‌ها و سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی. بر این مبنا مدل جونز به تحلیل تنظیم دستور کار سیاست‌گذاری، تحلیل تصمیم، تحلیل اجرا و تحلیل ارزیابی یک سیاست متمرکز می‌باشد و نیز مدل‌های سیاست‌گذاری تامس دای مشتمل بر ۹ عنوان است:

۱- **نهادگرایی**: سیاست به‌مثابه برون‌داد نهادی

۲- **فرایندی**: سیاست

به‌مثابه فعالیت سیاسی

۳- **گروهی**: سیاست به‌مثابه تعادل گروهی (منافع مشترک)

۴- **نخبگان**: سیاست‌گذاری به‌مثابه ترجیح نخبگان

۵- **عقلانیت‌گرایی**: سیاست‌گذاری به‌مثابه کسب حداکثر سود اجتماعی

۶- **فزاینده‌گرایی**: سیاست‌گذاری به‌مثابه ایجاد تغییرات در گذشته

۷- **بازی**: سیاست به‌مثابه انتخاب عقلانی در موقعیت رقابتی

۸- **انتخاب عمومی**: سیاست به‌مثابه تصمیم‌سازی جمعی توسط افراد ذی‌نفع

۹- **نظام (مدل سیستمی)**: سیاست به‌مثابه خروجی نظام (فشارهای محیط =

ورودی) (دای<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵)

موردتوجه خواهد بود. به‌طور مشخص این نظریه دانشمند علوم سیاسی چارلز لیندبلوم<sup>۳</sup> مدل عقلانیت مطلق در سیاست‌گذاری را تغییرات سریع، انقلابی و شتاب‌دار موردانتقاد شدید قرار داد، هم‌مبنای بحث می‌باشد. لیندبلوم تئوری دیگری درباره‌ی تصمیم‌گیری ارائه می‌کند که تحت عنوان اینکرمانتالیسم یا «تدریجی‌گرایی» معروف است. در این مدل معتقد به تغییرات اندک و تدریجی و حفظ وضع موجود می‌باشد نه اهداف انتزاعی بلندپروازانه و تغییرات شدید. درنهایت اگر بتوان کل ادبیات موجود

<sup>1</sup> Jones, 1970

<sup>2</sup> dye, 1995

<sup>3</sup> (Charles Lindblom)

خط‌مشی‌گذاری را تحت دو شاخص غالب کارکردگرایی و ساختارگرایی جمع کرد. در اینجا ذیل شاخص کارکردگرایی، ادبیات چرخه خط‌مشی و با شاخص ساختارگرایی، شبکه‌های موضوعی خط‌مشی با سه جریان مسئله، خط‌مشی و سیاست قابل رهگیری خواهند بود. (کینگ دان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۵۱) در نهایت ادبیات یا چارچوب نظری به اقتضای ماهیت موضوع و چگونگی بیان مساله، پرسش‌ها و اهداف مقاله از رویکرد ترکیبی بهره خواهد جست.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش ماهیت کاربردی دارد. مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش، روش مناسب گردآوری و تحلیل اطلاعات، روش آمیخته اکتشافی است. در این روش در مرحله اول از داده‌های کیفی برای توصیف جنبه‌های متعدد یک پدیده و در مرحله بعدی از داده‌های کمی برای آزمون یا سنجش این ابعاد استفاده می‌شود. طرح پژوهش آمیخته برای ایضاح جنبه‌های مبهم یا تمهید سرخ‌هایی که در طرح پژوهشی دنبال می‌شوند، به کار می‌روند. در فاز تبیین الگو از داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل مضمون منابع کتابخانه‌ای/ اسناد مکتوب بهره خواهیم گرفت. در فاز سنجش از داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه برای آزمون الگو استفاده می‌شود. روش کیفی به درک لایه‌های عمیق موضوع پرداخته و جنبه‌های اصلی پدیده موردنظر را مشخص می‌کند. سپس در روش کمی این جنبه‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، در نهایت رتبه‌بندی محقق ارائه خواهد شد. در واقع در مرحله اول براساس مروری بر ادبیات موضوع و با استفاده از مطالعات صورت گرفته، فهرست کاملی از عوامل اثرگذار- به‌منظور وزن‌دهی - در قالب پرسشنامه در اختیار اعضای پانل صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از محاسبه امتیازات مکتسبه هر یک از عوامل، به کمک تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های جدید اثرگذار بر الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی در ایران طراحی شد. در مرحله دوم رتبه‌بندی با استفاده از تکنیک دیمتل انجام پذیرفت.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ابتدا به بررسی و تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی پژوهش می‌پردازیم. اولین شاخص

<sup>1</sup> Kingdon

مورد بررسی در این عنوان متغیر (جنسیت) افراد می باشد که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیر فوق را در جدول ذیل مشاهده می کنید:

سطوح	فراوانی	درصد
مرد	۷	۵۸.۳۳
زن	۵	۴۱.۶۷
کل	۱۲	۱۰۰

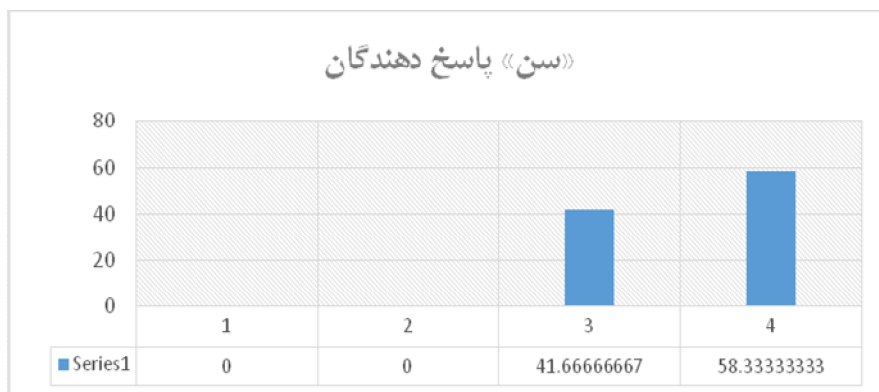


نمودار ۱- توزیع فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر «جنسیت»

با توجه به جدول و نمودار ۱ می توان عنوان نمود که (۷ نفر) یعنی ۵۸ درصد از مصاحبه شونده گان «مرد» و (۵ نفر) یعنی ۴۲ درصد «زن» می باشند. دومین شاخص مورد بررسی در این عنوان متغیر (سن) افراد می باشد که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیر فوق را در جدول ذیل مشاهده می فرمایید:

ردیف	گروه های سنی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	۲۹-۲۰	-	-
۲	۳۹-۳۰	-	-
۳	۴۹-۴۰	۵	۴۱.۶۶۶۷
۴	۵۰-بالاتر	۷	۵۸.۳۳۳۳
۵	کل	۱۲	۱۰۰

رتبه بندی مولفه های تاثیرگذار در سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران .....

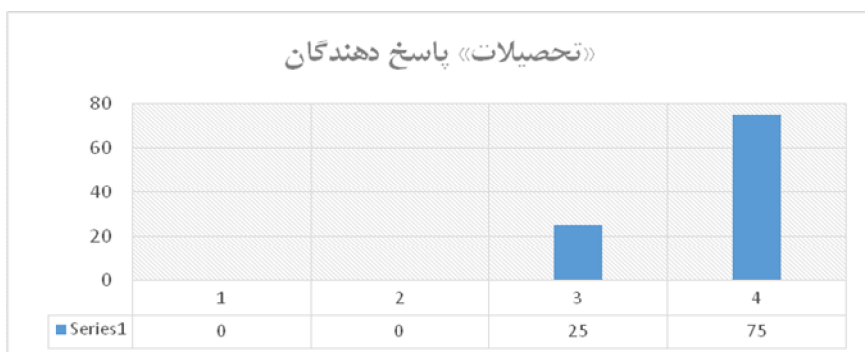


نمودار ۲- درصد فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر «سن»

سومین شاخص مورد بررسی در این عنوان متغیر (تحصیلات افراد) نمونه می باشد که به چهار عنوان (دیپلم و فوق دیپلم)، (لیسانس)، (فوق لیسانس) و (دکتری) تقسیم بندی گردیده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیر فوق را در جدول ذیل مشاهده می کنید:

جدول ۳- توزیع فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر «تحصیلات»

سطوح	فراوانی	درصد
کارشناسی	-	-
کارشناسی ارشد	۳	25
دکتری	۹	75
کل	۲۵	۱۰۰



نمودار ۳- توزیع فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر «تحصیلات»

#### ۴. تحلیل تجربی

##### تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل، از سه نوع کدگذاری استفاده شده است. که عبارت‌اند از: الف) کدگذاری باز ب) کدگذاری محوری ج) کدگذاری گزینشی. این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آن‌ها را جابه‌جا یا با یکدیگر تلفیق می‌کند. با این حال فرآیند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرآیند تحلیل کدگذاری گزینشی بیش‌تر مطرح می‌شود. کدگذاری باز به دنبال آن است که تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم در آورند.

در کدگذاری محوری، آغاز کردن فرآیند از نوع کنار هم گذاشتن داده‌هایی است که در جریان کدگذاری باز، آن‌ها را خرد کرده‌ایم، در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی متصل گشتند تا توضیح دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده‌ها شکل یابند. در کدگذاری محوری، تلاش گردید تا مقولات براساس الگوی پارادایمی ایجاد و کشف گردند. تلاش بر یافتن و مشخص کردن یک پدیده و مقوله اصلی بوده است با در نظر گرفتن شرایط یا علتی است که پدیده را به وجود می‌آورند و محتوا یا زمینه، ویژگی‌های پدیده به یک معنا شرایطی است که استراتژی رفتارها و رفتارهای متقابل در آن رخ می‌دهد؛ شرایط میانجی یا مداخله‌گر شرایط یا عواملی که استراتژی‌ها را تشدید یا کند کرده‌اند، استراتژی‌های کنش / کنش متقابل که از طریق آن مقوله کنترل و اداره می‌گردد و در نهایت پیامد این استراتژی‌هاست.

کدگذاری گزینشی، آخرین مرحله از کدگذاری است و به‌نوعی در سطح انتزاعی‌تری از کدگذاری محوری انجام می‌شود. در این مرحله، نظریه نسبتاً به استحکام رسیده است و پژوهشگر در این مرحله با مقولات کمتری سروکار دارد. (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۴۰)

جدول ۴- دسته‌بندی سؤالات پژوهش	
ردیف	سوال
۱	مؤلفه‌های اقتصادی سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟
۲	مؤلفه‌های اجتماعی سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟
۳	مؤلفه‌های سیاسی سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟





## مطالعات میان‌فرهنگی

در این بخش با توجه به حجم بالای مؤلفه‌ها، محقق با مراجعه مجدد به صاحب‌نظران از آن‌ها در شناسایی اهمیت این مؤلفه‌ها در غالب پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت نظرسنجی مجددی انجام داد و در مجموع می‌توان مؤلفه‌های تأثیرگذار را به صورت زیر ارائه نمود:



پس از مطالعه‌ی عمیق مبانی نظری و ادبیات موضوع؛ با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در بستری از فرصت‌ها و

رتبه بندی مؤلفه های تاثیرگذار در سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران .....

تهدیدات داخلی و خارجی می تواند منجر به سیاست گذاری مطلوب در زمینه ی زبان های خارجی گردد.

### به دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

با توجه به مؤلفه های اصلی از جامعه آماری پژوهش خواسته شد تا نظر خود را در رابطه با روابط دوهدهوی میان این مؤلفه ها بیان نمایند.

تعداد ۳۵ پرسشنامه توزیع شد که از این میان ۳۰ عدد به محقق بازگردانده شد و مبنای تجزیه و تحلیل های مراحل بعد قرار گرفت. برای تهیه ماتریس خودتعاملی ساختاری لازم است تا وابستگی میان تمامی عناصر شناسایی شده به صورت دوهدهو بررسی شود. به این منظور چهار سمبل و علامت راهنمای زیر مورداستفاده قرار می گیرد:

- V: عامل "i" به تحقق عامل "j" کمک می کند.

- A: عامل "j" توسط عامل "i" محقق می شود.

- X: عوامل "j" و "i" عامل "i" به تحقق یکدیگر کمک می کنند.

- O: عامل "i" و عامل "j" بی ارتباط هستند

جدول ۶: ماتریس خودتعاملی ساختاری مؤلفه ها						
						علائم
						راهنما:
						V: یعنی i بر j تاثیر می گذارد.
						A: یعنی i از j تاثیر می پذیرد.
						X: یعنی i و j تاثیر متقابل دارند.
						O: یعنی i و j بر یکدیگر بی تاثیرند.
						عامل i
						عامل j
تهدیدات محیط داخلی و خارجی	فرصت های محیط داخلی و خارجی	مؤلفه های فرهنگی	مؤلفه های سیاسی	مؤلفه های اجتماعی	مؤلفه های اقتصادی	
X	V	X	A	A		مؤلفه های اقتصادی
X	V	V	V		V	مؤلفه های اجتماعی
A	X	V		A	V	مؤلفه های سیاسی

A	A		A	A	X	مؤلفه‌های فرهنگی
A		V	X	A	A	نقاط قوت و ضعف محیط داخلی
	V	V	V	X	X	فرصت‌ها و تهدیدات محیط خارجی

پس از جایگزینی اعداد صفر و یک به جای نمادهای چهارگانه ماتریس خودتعاملی ساختاری، ماتریس دستیابی اولیه حاصل می‌شود جایگزینی بر اساس قوانین زیر انجام می‌گیرد:

- ✓ اگر ورودی  $(i,j)$  در ماتریس خودتعاملی ساختاری، "V" باشد، در ماتریس دستیابی ورودی  $(i,j)$  عدد ۱ و ورودی  $(j,i)$  عدد صفر خواهد بود.
  - ✓ اگر ورودی  $(i,j)$  در ماتریس خودتعاملی ساختاری، "A" باشد، در ماتریس دستیابی ورودی  $(i,j)$  عدد صفر و ورودی  $(j,i)$  عدد ۱ خواهد بود.
  - ✓ اگر ورودی  $(i,j)$  در ماتریس خودتعاملی ساختاری، "X" باشد، در ماتریس دستیابی ورودی  $(i,j)$  عدد ۱ و ورودی  $(j,i)$  نیز عدد ۱ خواهد بود.
  - ✓ اگر ورودی  $(i,j)$  در ماتریس خودتعاملی ساختاری، "O" باشد، در ماتریس دستیابی ورودی  $(i,j)$  عدد صفر و ورودی  $(j,i)$  نیز عدد صفر خواهد بود.
- (ونگ، ۲۰۰۸)

بعد از جمع‌آوری نظرات همه‌ی خبرگان، اعداد صفر و یک همه‌ی ماتریس‌ها با یکدیگر جمع می‌شود. با توجه به میزان تأثیری (مابین ۵۰ درصد الی ۹۰ درصد) که از طرف محقق تعریف می‌شود، این اعداد مجدداً تبدیل به صفر و یک شده و ماتریس دستیابی نهایی به دست می‌آید. در این پژوهش به‌منظور از بین بردن تأثیر گرایش به

<sup>1</sup> Wang

رتبه بندی مولفه های تاثیرگذار در سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران .....

مرکز، میزان شدت تأثیر ۶۰ درصد، مدنظر قرار گرفته است. ماتریس دستیابی نهایی از لحاظ سازگاری مورد بررسی قرار گرفت و مشکلی از این لحاظ مشاهده نشد. در نهایت ستون قدرت نفوذ از جمع سطری و ستون وابستگی از جمع ستونی حاصل می شود و ماتریس قدرت نفوذ-وابستگی شکل می گیرد. (ثاکار و همکاران، ۲۰۰۷)

#### ۴. نتیجه گیری

فرهنگ را می توان به عنوان اطلاعات یا رفتار در جامعه تعریف کرد که از طرق خاصی از یادگیری اجتماعی به دست می آید. (وایت هد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸ : ۲۳۲) حال از آنجایی که زبان به عنوان یکی از مهم ترین المان های هویتی یک فرهنگ مورد توجه است، در این پژوهش بر آن بودیم تا ادبیات و نگاه گفتمان های موجود حول مقوله زبان آموزی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران را بر شمرده و درصدد بهینه سازی سیاست گذاری فرهنگی این زمینه که شاه کلید توفیق در عصر کثرت های وحدت گرا و فروریزش عاملیت انسانی است بر آیم تا در ادبیات گفتمانی و شبکه کنشگران، ایران آینده علی رغم برخوردار بودن از جایگاه استراتژیک ژئوپلیتیک، چهره ای مطلوب تر و تأثیر گذارتر داشته باشد. نتیجه ی این مهم به نقش تأثیر گذارتر ایران اسلامی به عنوان بازیگر در سیاست گذاری های فرهنگی که عمده مبحث مورد نیاز عصر جهانی شدن خواهد بود، می انجامد.

این پژوهش مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش و با روش آمیخته اکتشافی است. در این پژوهش در مرحله اول از داده های کیفی برای توصیف جنبه های متعدد یک پدیده و در مرحله بعدی از داده های کمی برای آزمون یا سنجش این ابعاد استفاده گردید. در روش کمی این جنبه ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، در نهایت مدل محقق ارائه شد. در واقع در مرحله اول براساس مروری بر ادبیات موضوع و با استفاده از مطالعات صورت گرفته، فهرست کاملی از عوامل اثرگذار - به منظور وزن دهی - در قالب پرسشنامه در اختیار اعضای پانل صاحب نظران قرار گرفت و پس از محاسبه امتیازات مکتسبه هر یک از عوامل، به کمک تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه های جدید اثرگذار بر الگوی مطلوب سیاست گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان های خارجی در ایران طراحی

<sup>1</sup> Whitehead, 2018

شد. در مرحله دوم، با استفاده از مشارکت خبرگان، رتبه‌بندی مؤلفه‌ها انجام پذیرفت. نتایج این پژوهش به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۷: نتایج پژوهش

رتبه	متغیر	
۲	آشنایی با فناوری‌های نوین، توسعه برابری افراد در فرصت‌های شغلی، توسعه سواد اطلاعاتی و فناوری	مؤلفه‌های اقتصادی
۱	درک فرا فرهنگی، توسعه تفکر انتقادی، توسعه شایستگی‌های اجتماعی، توسعه آگاهی اجتماعی، توسعه اعتماد اجتماعی	مؤلفه‌های اجتماعی
۳	گسترش مطالعات سیاسی، توسعه گفت‌وگوی سیاسی و فرهنگی، مشارکت فعال در توسعه محلی و ملی	مؤلفه‌های سیاسی
۴	توسعه شایستگی‌های فرهنگی، توسعه هویت شخصی، نگرانی نسبت به علم و دانش، استقلال فکری، تعامل فرهنگی گسترده‌تر، توسعه خلاقیت فرهنگی	مؤلفه‌های فرهنگی
۶	طرح ایده‌های نو در تدریس و یادگیری، توسعه جایگاه علم و دانش، هم‌افزایی فرهنگی، تأمین و پشتیبانی فناوری اطلاعاتی، بهبود خودسازمان‌دهی، کسب دانش جهانی، رقابتی شدن، آشنایی با الگوهای نوین پژوهشی، شایسته‌سالاری، توسعه هوش فرهنگی، توسعه خلاقیت در حل مشکلات فرهنگی	نقاط قوت و ضعف محیط داخلی
۵	احتمال توسعه ناموزون اجتماعی، دخالت بیگانگان، کنترل فرهنگ اقوام، آسیب ارتباطی میان توده نخبه	تهدیدات و فرصت‌های محیط خارجی

حال با توجه به نتایج به دست آمده و براساس نظرات خبرگان سیاست‌های فرهنگی زیر جهت مواجهه بهتر با زبان‌های خارجی پیشنهاد می‌گردد موارد ذیل به عنوان راهبرد در سیاست‌گذاری فرهنگی این حوزه مدنظر قرار گیرند:

تقویت زبان فارسی به عنوان تنها زبان رسمی، توسعه فارغ‌التحصیلان دوزبانه، توسعه زبان‌های محلی، استفاده از ظرفیت‌های مراکز فرهنگی و سفارتخانه‌ها، پرورش نیروی انسانی، تقویت ارتباطات دوسویه، توسعه تکثر اندیشه، تأکید بر هویت ملی، توسعه زبان

رتبه بندی مولفه های تاثیرگذار در سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران .....

به عنوان زیرساخت تعامل، توسعه حق شهروندی، زمینه ساز تغییر سبک زندگی، افزایش برنامه های حمایتی آموزشی زبان، تسهیل گری دولت در توسعه آموزش، توسعه چشم انداز مشترک فرهنگی، توسعه نگرش مثبت افراد به فرهنگ های دیگر، توسعه اهداف فرهنگی اثربخش، حضور در مجامع بین الملل، تعامل فعال با محیط جهانی، همگرایی قومی و مذهبی، تأکید بر اشتراکات اجتماعی، توسعه استفاده از نخبگان قومی، ترکیب خلاقانه فرهنگ بومی با سایر فرهنگ ها

در خصوص پیشنهادها آتی پژوهش، پیشنهاد می گردد تا محققان پژوهش هایی را در خصوص مدل بهینه سیاست گذاری فرهنگی در آموزش زبان های خارجی در مدارس و بررسی تأثیر آن در رشد فرهنگی دانش آموزان در کشور انجام دهند.

### منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «مدخلی بر واکاوی پدیده قوم‌گرایی در سپر جهانی‌شدن»، مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره ۳.
- الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸)، «فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی»، نشر دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ سوم.
- اصغرزاده، نسرين (۱۳۹۵)، خراسانی اباصلت؛ تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط آموزش علم در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: مطالعه تطبیقی در اروپا. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲ (۳)، ص ۸۹-۱۱۱.
- آذرشب، محمدعلی؛ همایونی، سعدالله (۱۳۹۴)، «واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های / برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران)»، علم زبان، سال سوم، شماره ۵.
- بابازاده، جمیله (۱۳۸۸)، «زبان، فرهنگ اصطلاحات و ارتباط آن‌ها با آموزش زبان‌های خارجی»، پژوهش زبان‌های خارجی، ش ۵۵، صص ۱۹-۲۸.
- بابوردی، اسماعیل؛ کریمیان، علیرضا (۱۳۹۳)، «جهانی‌شدن فرهنگ و تأثیر آن بر هویت ملی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۸، از ۷۷ تا ۱۰۲.
- تقویان، ناصرالدین علی، قانلی، یحیی، ضرغامی، سعید، غلامی، جواد (۱۳۹۳)، «کاربردشناسی تجربی و کسری هنجارمندی بهره آموزش زبان خارجی از نظریه کاربردشناسی عام»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۳، از ۷۷ تا ۱۱۶.
- تقی زاده، علی، (۱۳۹۵)، «پیچیدگی‌های زبان، چگونه حرف می‌زنیم؟»، سایت علمی دکتر مجازی.
- ربیعی، مجید؛ نیازآذری، کیومرث؛ اسماعیلی شاد، بهرنک (۱۳۹۱)، «سیاست‌گذاری و فرآیند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی»، مهرالنبی، ۴۴۰
- سبکتکین، قربانعلی؛ خسروجردی، زهرا (۱۳۹۲)، «فرهنگ، زبان و آموزش»، (چاپ در مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات) ایران سال نهم، شماره ۳۰، از ۵۵ تا ۷۱.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم

رفتاری (چاپ هشتم)، تهران، انتشارات آگاه.

سرمدی، محمدرضا و حیدری زاده، نسرین (۱۳۹۳)، «فرصت‌ها و چالش‌های نظام تعلیم و تربیت ایران در برابر جهانی‌شدن»، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران  
طالبی، ابوتراب؛ علیزاده، ابوتراب (۱۳۹۷)، «مطالعه پدیدار شناختی تجربه تبعیض و نابرابری قومی در بین دانشجویان کرد در دانشگاه های ایران»، جامعه‌شناسی ایران، زمستان ۱۳۹۷، از ۱ تا ۲۵.

طاهری، محمدرضا و محمدی، زینب (۱۳۹۴)، «ایده آلیسم و تأثیر آن در آموزش و پرورش»، اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران.

نادری، ابوالقاسم؛ گودرزی، محمدعلی (۱۳۹۷)، «بررسی وضعیت سرمایه انسانی دبیران شهر صحنه و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان»، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶۰ تا ۶۴.

هاشمی، محمدرضا؛ شمسایی، سعیده؛ شمس، محمدعلی (۱۳۸۹)، «تحلیل روایت شناختی ویژگی‌های سبک تاریخ‌نگاری بیهقی در چهارچوب نظریه هوش داستانی»، نشریه مطالعات زبان و ترجمه، شماره ۱.

-Augoustinos, M., Every, D. (2007). The language of "race" and prejudice: A discourse of denial, reason, and liberal-practical politics. *Journal of Language and Social Psychology*, 26, 123-141.  
Cresswell, C., Whitehead, K. A., Durrheim, K. (2014). The anatomy of "race trouble" in online interactions. *Ethnic and Racial Studies*, 37, 2512-2528.

-Birckbichler, D (1994) "Foreign Language Policy and Teacher Education" <https://doi.org/10.1177/0002716294532001013>

-Gorter, D. Zenotz, V. Cenoz, J. (2016) "Minority Languages and Multilingual Education" *Educational Linguistics*, Springer, Dordrecht, <https://doi.org/10.1007/978-94-007-7317-2>

-Hult, F (2017) "More than a lingua franca: Functions of English in a globalised educational language policy" <https://doi.org/10.1080/07908318.2017.1321008>



- Jonathan R. White. 2019. Authenticity of Language Practices in Virtual Learning Sites. *Virtual Sites as Learning Spaces*, pages 63-93
- Kirkwood, S., McKinlay, A., McVittie, C. (2013). "They're more than animals": Refugees' accounts of racially motivated violence. *British Journal of Social Psychology*, 52, 747-762
- Kaplan and M. D. Usdan, "The Changing Look of Education's Policy Network," *Phi Delta Kappan*, p. 661 (May 1992)
- Lindblom, DK Cohen (1979) "Usable knowledge: Social science and social problem solving" Yale University Press
- Lambert, R "Foreign Language Planning in the United States" (Paper presented at the Conference on National Foreign Language Policies, University of Jyväskylä, Finland, Aug. 1992), p. 1.
- Stokoe, E. (2015). Identifying and responding to possible -isms in institutional encounters: Alignment, impartiality and the implications for communication training. *Journal of Language and Social Psychology*, 34, 427-44
- Whitehead, K. A., Stokoe, E. (2015). Producing and responding to -isms in interaction. *Journal of Language and Social Psychology*, 34, 368-373.
- Whitehead, K (2018) "Managing the Moral Accountability of Stereotyping" *Journal of Language and Social Psychology*, Volume: 37 issue: 3, page(s): 288-309

